

۱۲ ستون موفقیت

اثر جیم ران و کریس وایدنر



دوازده ستون موفقیت نوشته ی جیم ران و کریس وایدنر داستانی است کوتاه و قابل فهم درباره مردی به نام میشل جونز که فکر می کند زندگیش به پایانی مرگبار نزدیک می شود. او با پیرمردی معترم به نام چارلی ملاقات می کند. چارلی با میشل درباره دوازده ستونی صحبت میکند که به صاحب فانه ی او، دیویس کمک کرده است تا به موفقیت های بزرگی دست یابد.

ستون اول: پیشرفت شخصی

این ستون به این نکته اشاره دارد که شما فقط می‌توانید به سطحی که در آن هستید دستیابی داشته باشید. نکات مهم در این ستون عبارتند از اینکه موفقیت زمانی حاصل می‌شود که خودتان را فراتر از سطحی که هستید ارتقا دهید: مطالعه کنید، در سمینارها و جلسات سخنرانی شرکت کنید، درباره بهترین‌ها مطالعه کنید و آنچه را آموخته‌اید انجام داده و ادغام کنید.

این نکات مرا به یاد تعریف کلمه جنون می‌اندازد: « بارها و بارها انجام دادن کاری و انتظار نتایج متفاوت داشتن»

برای اینکه نتایج متفاوتی به دست آوریم باید آنچه را انجام می‌دهیم تغییر دهیم " تنها روش برای اینکه چیزی برای شما تغییر کند آنست که خود را تغییر دهید".

ستون دوم: سلامت همه جانبه

این ستون بیانگر "سلامت سه بعدی" است. این سه بعد عبارتند از :

بعد مادی(جسمی)

بعد معنوی(عقل، احساس، اراده)

روح(بخشی از ما که فراتر از این دنیا است)

روح هسته‌ی شما را تشکیل می‌دهد، معنویات لایه‌ی بعدی و بعد جسمانی لایه‌ی بیرونی را تشکیل می‌دهد. لازم است که شما بر روی هر سه بعد کار کنید، فقط به یک بعد اهمیت ندهید تا باعث آسیب به بقیه شوید. رابطه‌ی میان این سه بعد نیاز به روراستی، صداقت و درستی را بیشتر نمایان می‌کند. بگذارید دیگران شما را آنگونه که واقعا هستید ببینند. " باید مطمئن شوید که ظاهر شما انعکاس خوبی از باطن تان است".

ستون سوم: هدیه روابط

روابط "زیباترین اوج ها" و "دردناک ترین پستی ها"ی زندگی را نمایان می کند. روابط ستون فقرات زندگی ما هستند. این ستون توضیح میدهد که روابط مانند باغی هستند که شما باید در آن کشت کنید. وقتی که شما آنها را درست می کنید و رسیدگی می کنید، نگهداری از آنها برای ادامه رشد خیلی آسان تر خواهد بود. "برای شکوفایی و رشد هر رابطه ای باید به طور مداوم وقت گذاشت، تلاش کرد و ابتکار به خرج داد". مردم می گویند که دنیا بر پایه پول می چرخد اما من معتقدم که این روابط است که باعث ادامه حیات دنیا می شود چون کارها از طریق مردم حل و فصل می شود.

ستون چهارم: دستیابی به اهداف

ستون چهارم "دستیابی به اهداف" است. بارها و بارها شنیده ام که شما باید اهدافتان را بنویسید. نوشتن، آنها را به واقعیت تبدیل می کند. یکی از مزایای دستیابی به اهداف آنست که شما فرد بهتری می شوید. "دلیل مهم هدف داشتن آن است که شما را مجبور می کند به گونه ای رفتار کنید تا به هدفتان برسید". چیزی که من از شخصی در جای دیگر آموختم آن است که هدف همیشه همان خواهد ماند در صورتیکه برنامه ریزی ها ممکن است تغییر کند. یک روش خوب برای بررسی میزان پیشرفتتان شامل "برنامه ریزی، انجام، بررسی و تطابق" می باشد.



ستون پنجم: استفاده درست از زمان

دو نوع رنج وجود دارد، رنج انضباط داشتن که فقط چند گرم وزن دارد و رنج پشیمانی که وزن آن به چندین تن می رسد. وقت خود را هدر ندهید پایان زندگیتان زودتر از آنچه انتظار دارید فرا می رسد. صبر نکنید تا خیلی دیر شود. به یاد داشته باشید که وقتی یک روز می گذرد، شما یک روز کمتر برای سپری کردن دارید پس هر روزت را هوشیارانه سپری کن. " هر روز شامل فرصت های زیادی است اما تنها یکی از آنها بهترین است." بهترین فرصت ها آنهایی هستند که با اهداف کلی شما در یک ردیف قرار دارند. تفاوت میان ضروری بودن و مهم بودن را درک کن.



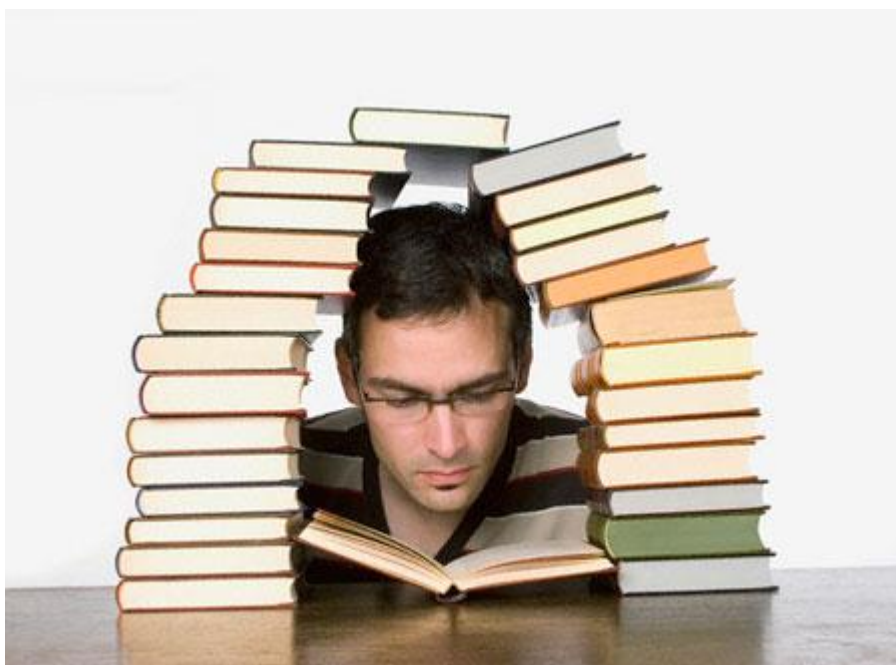
ستون ششم: اطرافت را با آدم های خوب احاطه کن

به جمع های ساده ملحق نشو، رشد نخواهی کرد. جایی برو که همه انتظارات زیاد و آرزوهای بلندی برای به انجام رسیدن دارند. آدم ها قدرت شگرفی در تاثیرگذاری بر سرنوشت شما دارند. هر رابطه ای می تواند یک جمع تشکیل دهد که می توان دید مثبت، منفی و یا بیطرفانه نسبت به آن داشت. هر کسی را که می بینید در دسته بندی خودش قرار دهید، آیا او فردی است که باید با او قطع رابطه کنید و یا باید رابطه تان را با او محدود کرده و یا گسترش دهید؟ اطرافتان را با افراد برنده و آدم های موفق احاطه کنید

کسانی که در معرض دید هستند و با ارزشها و مهارت هایی در زندگی سر و کار دارند که شما می خواهید به دست آورید و توسعه دهید. شما شبیه کسانی می شوید که با آنها معاشرت دارید. پس مواظب باش.

ستون هفتم: تمام طول عمرت را مشغول آموختن باش

بیشتر عمر شما مربوط به پس از تحصیلات رسمی شماست. " تحصیلات رسمی برای هزینه های زندگی کمک خواهد کرد در حالیکه خودآموزی باعث خوشبختی شما می شود. خودآموزی درباره آنچه به خودتان آموزش می دهید و آنچه در طول مسیر زندگی یاد می گیرید می باشد. بنابراین شما به طور مداوم پیشرفت می کنید و ارتقا می یابید. یادگیری شروع ثروت، سلامت و معنویت است. کتاب بخوانید، افراد موفق را مشاهده کنید، در تجارب شخصی تان تامل کنید، کارهایی که درست انجام شدند و آنهایی که اشتباه صورت گرفتند را یاد بگیر. به دیگران با آموزش آنچه که یاد گرفته ای کمک کن.



ستون هشتم: زندگی یک معامله است

معامله یعنی تاثیر گذاری و تاثیر گذاری کلید یک زندگی موفق است. هنر و مهارت تاثیر گذاری را یاد بگیر. " کلید داشتن تاثیر بر دیگران آنست که کاری کنی تا دیگران تو را فردی صادق و با استعداد بدانند". استعداد و صداقت شما نمایانگر شخصیت و مهارت شماست. شخصیتی قوی داشته باش و مهارت هایت را افزایش بده که در این صورت تاثیر گذاری خود را افزایش خواهی داد.

ستون نهم: ثروت از پیشرفت شخصیتی بالاتر پیشی نمی گیرد

پول مشکلات زندگی را حل نمیکند. ممکن است آن را از دست بدهید، به خاطر آن تحت تعقیب قرار بگیرید و یا ممکن است آن را از شما بدزدند. مهم شخصیتی است که شما به دست می آورید زیرا " شخصیت شما بر آنچه کسب می کنید مستقیماً تاثیر می گذارد". فردی باش که ارزش تو میلیون دلاری باشد. به خاطر داشته باش که حتی اگر دارایی ات را از دست دادی این مهارت را داری که دوباره به دستش آوری.

ستون دهم: هر معاشرتی زمینه درک مشترک را به همراه دارد

"معاشرت یعنی دو یا چند نفر با هم کار کنند تا به درک مشترک برسند و وقتی به آن می رسند قدرت فوق العاده ای پیدا می کنند." معاشرت سخت است ولی در تمام ارتباطات مهم است. معاشرت همان موضوع گفتگو، چگونگی سخن گفتن، زمان سخن گفتن و پذیرفته شدن از جانب شنونده را در بر می گیرد. مطمئن باش که واقعا می شنوی. شخص شنونده به اندازه کافی اهمیت می دهد و برای دیگرانی هم که واقعا می خواهند بشنوند به اندازه کافی ارزش قائل می شود. برای مردم مهم نیست که تو چقدر میدانی مهم اینست که تو چقدر اهمیت قائل می شوی.

ستون یازدهم: دنیا همیشه می تواند رهبر بزرگ دیگری نیز داشته باشد

هر کسی می تواند رهبری بزرگ باشد تنها چیزی که نیاز دارد هنر تاثیرگذاری است. رهبران از نظر نوع انسانهای زیر دستشان متفاوتند. " ریاست بر دیگران یعنی همان کمک به آنان تا افکار، عقاید و عملکردشان را به بهترین حالت تغییر دهند." به مردم علاقه مند باش نه فقط به خاطر منفعتی که برای تو دارند. به مردم در مواردی که جز شغلشان کمک کن، در امور زندگی به آنها کمک کن. رهبران بزرگ واقعی اند. آنها می دانند چه جایگاهی دارند. خوش بین هستند و می دانند چگونه به هدفی بزرگتر برسند و در این راستا گام برمی دارند.



ستون دوازدهم: میراثی به جا بگذار

زندگی کوتاه است. نمی توانی انتخاب کنی که چند سال عمر داشته باشی اما می توانی انتخاب کنی که چقدر خوب زندگی کنی. " گونه ای زندگی کن که از نظر معنوی، عقلی، جسمی، مالی و ارتباطی به دیگران کمک کنی و زندگی به عنوان نمونه ای از یک زندگی استثنایی به نظر رسد." مسیری را که ما در زندگی دنبال می کنیم پیشینیان ما برای ما مهیا کرده اند.

پس به گونه ای زندگی کن و مسیری را پیش بگیر که آیندگان بتوانند در آن گام بردارند.
ردپایی بگذار تا دیگران از آن استفاده کنند و در زندگیشان سریع تر گام بردارند.



همانطور که می بینید این دوازده ستون به هم وابسته هستند. شما نمی توانید به یکی از آنها توجه کنید و بقیه را نادیده بگیرید. خط زیر می گوید که شما در زندگی تان حق انتخاب دارید: "زندگیتان را اداره کنید یا یک زندگی طراحی کنید". امیدوارم شما ارزش این دوازده ستون را دریابید و آنها را در زندگی و شغل خود به کار ببندید.